

# بسیج

۷

ویژه

آثار هنری درباره سرمایه‌گذاری آمریکا  
در اغتشاشات روشنگری می‌کند

جهاد تبیین در نمایشگاه  
«به خاطر یک مشت دلار»

۱۱

نگاهی به برنامه شبکه یک که الگوها و  
تجربه‌های موفق را معرفی می‌کند

«اتم» قابی از تلاشگران  
سراسر کشور

۸

گفت‌وگوی «جام جم»  
با تهیه‌کننده سریال «جزو ومد»

چالش‌های آقا لطف  
و خانواده



۶

ویژه

آموزش مهارت زندگی  
در «آقا معلم و بچه‌ها»

این مجموعه پویانمایی کاری از گروه  
کودک مرکز پویانمایی صباست

۷

کلان برنامه‌های فرهنگی  
چگونه عمل می‌کند

موج جدید گره‌ای، متکی  
بر پلتفرم‌های دیجیتال

۱۰

گفت‌وگوی «جام جم» با تورج نصر  
صدآپیشه و بازیگر رادیو و تلویزیون

آسیب زیرزمینی‌ها  
به بدنه دوبله



۸



۱۱

واکنشی حسن روح‌الامینی به حمله تروریستی در شیراز

## نقش شهادت در تابلوی شاهچراغ

گزارش

نگاهی تاریخی به پرده جدید تقابل نافرجام غرب‌گرایان با ایرانیان

### بلوای بدویت مدرن یا کاریکودتای تمدنی



فرق می‌کرد، آن زمان در ویوید، علاقتان را رد دنبال

می‌کردند، حالا در اینترنِت... پس این طور نیست که با  
یک وضعیت تجربه‌نشده غیرمترقبه‌ای مواجه باشیم.

۲. آزادی فرهنگی یا غلبه سیاسی؟ خواست اصلی رازیر  
عنوانی مثل زندگی و آزادی بگم می‌کنند و می‌خواهند

بگویند ماجرا فرهنگی واجتماعی است، در حالی که آنچه  
بآن رویه‌رویم کاملا سیاسی است و با یک کاریکودتای  
تمدنی مواجه هستیم. کاریکاتوری گودکانه از کودتایی که

غرب‌گراها ۲۰۰ سال است تمنایش را دارند و قدرتش را نه.  
تفاوتش با برخی فقرات قبلی این است که قبلا غیظ‌شان  
از این توانایی تاریخی و تمدنی را با کشتار مردم در مسجد

گوهرشاد یا قتل شیخ فضل...ها و مدرسه‌ها اندکی فرو  
می‌نشاندند اما حالا اگر دستشان از برخی تروریهایی  
که تمنایش را دارند کوتاه است؛ این امکان را دارند تا با

گسترش خشونت و فحاشی در فضای مجازی غیظ‌شان  
را جعبه بزنند.

۳. مناسب‌ترین قهرمان! شعار درست و قهرمان مناسبی  
هم برای جنبش خودشان انتخاب کرده‌اند که جناب  
رضاخان است.

خیلی انتخاب درستی است چون ماجرای غریزگی در  
این جامعه اگرچه از اواسط قاجار شروع شد ولی هیچ‌گاه  
قبل و بعد آن اسطوره‌نمادی در حد رضاخان پیدا نکرد

که از روزآرمان این جریان را به‌طور کامل آشکار کند.  
هم قهرمان این جریان و هم ضد قهرمان‌شان یعنی حاج  
قاسم-که عکس‌هایش را آتش می‌زنند- خیلی معنادار

است. جالب است که نفرته‌شان از محبوب جمهور؛ بیشتر  
از ارادت‌شان به دیکتاتور عزیزشان است، چون حاج قاسم  
علاوه بر امتیازات شخصی، اکثریتی را نمایانگی می‌کند که

۵. پهلوی اول و تیر آخر؛ شناخت پهلوی اول کمک  
می‌کند که هواداران امروزی اش را هم بهتر بشناسیم.

در بین تمام نمادها و پرچم‌های غرب‌گرایی در ۲۰۰ سال  
گذشته از آخوندزاده و طالبوف تا ملک‌خان و تقی‌زاده تا

رزم آرا و غم و هویدا؛ هیچ کدام به جامعیت و شفافیت  
رضاخان، آرمان و ماهیت غرب‌زده‌ها را آشکار نمی‌کند. در

حقیقت؛ پهلوی اول، تیر آخر جریان غرب‌گرایی در ایران بود و  
این که بعد از ۸۰ سال دوباره به او و مکتبش رجوع کرده‌اند

نشان می‌دهد برخلاف جریان ایران‌گرا که روند رو به جلو  
و بالنده‌ای دارد و از امیرکبیر تا حاج قاسم هر بار که با تورو و

حذف مواجه شده پرچم بلندتری پیدا کرده‌است؛ جریان  
غرب‌گرا ۸۰ سال پیش تاکنون در جازده و نماد تازه و مهمی  
پیدا کرده‌است.

۶. کودتای کاریکاتوری تجزیه‌طلبان در ایران فرهنگی  
و تمدنی؛ چرا امروز شیطنت‌ها و توطنه‌های دشمنان  
ایران برای مقابله با حجاب زن ایرانی به اوج رسیده

است؟ سرسرمیگی آنها برای برداشتن روسری از سر زنان  
ایرانی برای چیست؟ دل‌پیش روشن است.

تمدن غرب صدها سال تلاش کرده تا الگوی خودش را  
بر همه جهان تحمیل کند و بگوید بدون انکار معنویت؛

بدون تجاوز از حدود الهی، بدون التزام به سکولاریسم  
ممکن نیست کشور و ملتی پیشرفت کند.

۷. حقوق بشر یا...؟ نکته مهم در سیر تمدن غرب مدرن  
این است که هر چه در دانش و فناوری پیشرفت می‌کند

میلش به برداشتن مرز انسان و حیوان بیشتر می‌شود.  
آنها بر سر تعریف «حقوق» دعوایی ندارند، دعوی اصلی

بر سر تعریف «بشر» است. فرزند میمون چرا باید مثل  
پچه آدم رفتار کند؟ این دیکتاتوری نیست که از کسانی که

خودشان را فرزند میمون می‌دانند بخواهیم رفتار انسانی  
داشته باشند؟ اگر کسی روی میمون‌ها فشار بیاورد که  
رفتار انسانی داشته باشند قطعاً دیکتاتور است.

۸. آل احمد و خودآگاهی تاریخی؛ آل احمد درست در  
میانه سقوط رضاخان و ظهور انقلاب اسلامی توانست به  
درکی تاریخی و ممتاز از پدیده غرب‌گرایی در ایران برسد.

این که هنوز هم با گذشت ۵۰ سال؛ روشنفکران اصرار دارند  
هرسال در سالگردش او را آماج بد و بیراهه‌های‌شان قرار دهند

محصول همین خودآگاهی تاریخی اوست. جلال آل احمد  
«غریزگی» را پیش‌ویش از هر چیز یک «بیماری» می‌داند.

تعبیر بیماری و تشبیه به ویاژنگی؛ یک تعبیر ژورنالیستی  
نیست؛ روایت واقعیت و ماهیت اینهاست.

۹. خشونت مدرن؛ از گوهرشاد تا اکباتان؛ از اکباتان تا  
کرج تا دانشگاه؛ خشونتی که در شورش سیاه می‌بینیم

دقیقا از سنخ خشونت رضاخانی است با همان سخافت  
و سمعیت. نباید از کنار این قضیه به راحتی عبور کرد؛ ما  
خیلی درباره پهلوی‌ها سکوت کرده‌ایم؛ نه جنایات‌شان  
درست روایت شده و نه مینا و ماهیت‌شان را خوانش  
تئوریک کرده‌ایم. این شورش سیاه به مثابه کاریکاتوری  
از رضاخان فرصت خوبی برای بازخوانی پهلوی‌هاست.

یادداشت

میراث تلویزیون را بشناسیم



جهانگیر الماسی  
نویسنده

ورای این‌که خودم در دوره‌های  
مختلف به عنوان بازیگر با تلویزیون  
همکاری داشتم و اما حتی  
طرح‌هایی برای سریال‌سازی ارائه  
کرده‌ام اغلب مخاطب تلویزیون هم  
بوده‌ام ولی نقد و نظرات خود را  
درباره کیفیت برنامه‌ها داشته‌ام و

این طور نبوده که بکفره و بدون رویکرد و نگاهی به چشم‌انداز  
این رسانه به تماشا بنشینم. همه چیز را باید در کلیت دید. به

رسم من، تلویزیون همچنان میراث ماست و یک شبکه  
رسانه‌ای فراگیر است. باید سعی کرد مخاطبان را به سمت  
تماشای تلویزیون خودمان سوق دهیم و با برخورد مناسب با

بینندگان و تولید آثار درخور توجه و فاخر از ریزش آنها جلوگیری  
کنیم. این شرایط با گشایش درها و به‌کارگیری متخصصان بیش

از پیش فراهم خواهد شد. البته در دوره‌های مختلف بر این  
مهم تأکید شده و اقدامات قابل توجهی هم صورت گرفته‌است

اما امیدوارم در این دوره بیش از گذشته شاهد جذب و  
به‌کارگیری نیروهای حاذق در ساخت سریال‌های نمایشی و

برنامه‌سازی برای تلویزیون باشیم. همچنین آثار برخی از بزرگان  
تلویزیون که مدت‌هاست کاری نکرده‌اند یا جذب پلتفرم‌ها و

شبکه خانگی شده‌اند را در این قاب به تماشا بنشینیم. زیرا  
به‌ندرت در شبکه نمایش خانگی هم شاهد اثری موفق بوده‌ایم.

از طرف دیگری می‌توان گفت ساختارهای آکادمیک در این حوزه  
نیز از نظر رسمی رشد کرده‌اند و از نظر کیفی واقعا نیازمند بازبینی

هستند. یعنی باید دید این همه دانشکده و دانشگاه و  
آموزشگاهی که بابت المال در حال فعالیت هستند سالانه چند

تکنیسین کاربلد تحویل تلویزیون داده‌اند و اصلا ساختار  
تلویزیون چقدر امکان استفاده از خروجی ساختار آکادمیک را

داشته‌است. همان‌طور که بیان شد به‌کارگیری نیروهای جوان  
و تحصیل کرده در کنار افراد زنده و باتجربه ترکیب شایسته و

کارآمدی را به دست می‌دهد که قطعاً نتایج درخورش را روی  
آنتن شاهد خواهیم بود. تحصیلات مرتبط تنها بخشی از یک

بیش از هر چیز دیگر سعی و خطاهای خود را در مدیوم‌های  
کاراثر حرفه‌ای را می‌سازد و شاید در بعضی موارد شرط لازم

باشد اما قطعاً کافی نیست. در کار هنری و آن هم کار برای  
تلویزیون که مخاطبان فراگیر و گسترده از طیف‌های مختلف

دارد بیش از هر چیز دیگری توانایی حرفه‌ای - هنری است که  
دارای اهمیت است. نمی‌شود فردی را بدون آن که تجزیه‌تلاش لازم

داشته باشد به کار گرفت و انتظار تحول و پیشرفت داشت.  
مدیران و تهیه‌کنندگانی در تلویزیون می‌توانند موفق باشند که  
بیش از هر چیز دیگر سعی و خطاهای خود را در مدیوم‌های  
دیگر کرده باشند و وقتی به تلویزیون می‌آیند تازه به دنبال  
یادگیری و درس‌آموزی نباشند. اگر افراد دارای تجربه کافی در  
حیطه‌های مختلف تلویزیون به کار گرفته شوند با درصد  
موفقیت بالاتری کارهایی گرفته خواهد شد و قطعاً در جذب  
مخاطبان بیشتر تأثیرگذار خواهد بود.



برای خواندن متن کامل  
گزارش کیو آر کد را اسکن کنید